

*** فهرست ***

۱۲۹	فصل یازدهم
۱۴۸	فصل دوازدهم
۱۶۸	فصل سیزدهم
۱۹۵	فصل چهاردهم
۲۱۱	فصل پانزدهم
۲۲۴	فصل شانزدهم
۲۴۰	فصل هفدهم
۲۵۴	فصل هجدهم
۲۶۹	فصل نوزدهم
۲۸۶	فصل بیستم

*** فهرست ***

۸	قدردانی
۱۱	فصل اول
۱۷	فصل دوم
۲۹	فصل سوم
۴۰	فصل چهارم
۵۰	فصل پنجم
۵۹	فصل ششم
۷۱	فصل هفتم
۸۷	فصل هشتم
۱۰۱	فصل نهم
۱۱۶	فصل دهم

فصل اول

تابستان همه حرفش را می‌زدند: چطور ایزابل، ته‌تغاری خانوادهٔ ریچاردسون بالاخره به سرش زد و خانه را به آتش کشید. کل بهار حرف از میرابیل مک کلوی کوچک بود- یا بسته به اینکه کدام طرفی بودی دربارهٔ می لینگ چو- و حالا بالاخره موضوع جدید و هیجان‌انگیزی برای حرف زدن پیدا شده بود. بعدازظهر مه آلود آن شنبه خریدارانی که سبدهای خرید خود را در هاین این ور و آن ور می‌بردند صدای آژیر ماشین‌های آتش‌نشانی را شنیدند که به سمت تالاب اردک می‌رفتند. ساعت دوازده و ربع چهارتای آن‌ها در خط قرمزی نامنظم درمقابل پارکلند درایو پارک کرده بودند، جایی که هر شش اتاق خواب خانهٔ ریچاردسون در آتش بود و هرکسی از نیم مایل آن طرف تر می‌توانست دودی که مثل ابر سیاه و متراکم صاعقه دار از درختان بالا می‌رفت را ببیند. مردم بعدها می‌گفتند که تمام مدت نشانه‌هایی وجود داشته است: که ایزی کمی دیوانه‌طور بوده، که خانوادهٔ ریچاردسون همیشه یک‌طور عجیبی بودند، که به محض اینکه آن روز صبح صدای آژیرها را شنیدند فهمیدند اتفاق وحشتناکی افتاده است. البته آن موقع ایزی خیلی وقت بود که رفته بود و هیچ‌کسی نبود تا از او دفاع کند و مردم می‌توانستند هرچه دوست داشتند بگویند- و می‌گفتند. هرچند وقتی ماشین‌های آتش‌نشانی رسیدند و کمی بعد از آن هیچ‌کس نمی‌دانست چه اتفاقی افتاده بود. همسایه‌ها تا جایی که می‌شد نزدیک مانع موقتی جمع شده بودند- یک ماشین پلیس چند صد مایلی آن طرف تراز وسط پارک کرده بود- و آتش‌نشانان را تماشا می‌کردند که با صورت‌های عبوسی که

تقدیم به همهٔ کسانی که در مسیر خود

شعله‌های کوچک

روشن می‌کنند

چه ملکی در بخش مدارس زمین‌های گسترده از املاک شیکر بخیرید چه یکی از خانه‌هایی را که این شرکت در میان گزینه‌هایی از محله‌ها پیشنهاد می‌کند، خرید شما شامل امکاناتی از قبیل گلف، سوارکاری، تنیس و قایق سواری، بهترین مدارس می‌شود و محافظت دائمی در برابر استهلاک و تغییرات نامطلوب می‌شود. تبلیغات، شرکت ون سورینگن،

خالق و سازندگان شیکر ویلج

درواقع اگرچه با درنظر گرفتن همه چیز اهالی شیکر هایتس اساساً بسیار شبیه دیگر افرادی هستند که در سایر نقاط امریکا زندگی می‌کنند. آن‌ها به جای یک یا دو اتومبیل سه یا چهار اتومبیل دارند و به جای یک تلویزیون دوتا دارند و وقتی یکی از دختران شیکر هایتس ازدواج می‌کند یک مهمانی هشتصد نفره با گروه موسیقی میردیویس که با پرواز از نیویورک می‌آیند دارد نه یک ضیافت صدنفره با یک گروه موسیقی محلی، اما همهٔ این‌ها تفاوت‌های طبقه‌ای هستند نه تفاوت‌های اساسی. اخیراً زنی در باشگاه ورزشی تفریحی شیکر هایتس می‌گفت "ما آدم‌های خونگرمی هستیم و اوقات خوشی داریم!" و درست هم می‌گفت چرا که در حقیقت ساکنین یک آرمان شهر ظاهراً زندگی شادی دارند.

"زندگی خوب در شیکر هایتس،"

کازموپولیتن، مارس ۱۹۶۳